

زرقشت، سیاست مدار

یا

جادوگر!

والتر برونو هنینگ

کامران فانی

با

مقدمه‌ی دکتر فتح الله مجتبایی



انتشارات معین

سرشناسه	Henning, والتر برونو، ۱۹۰۸ - ۱۹۶۷ م
عنوان و نام پدیدآور	زرتشت، سیاستمدار یا جادوگر؟! / والتر برونو هنینگ؛ ترجمه کامران فانی
مشخصات نشر	تهران: معین، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	۱۴۳ ص
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۱۶۵-۰۵۲-۳
یادداشت	Zoroaster, politician or witch-doctor!, 1951
یادداشت	چاپ قبلی: کتاب پرواز، ۱۳۷۹
یادداشت	کتابنامه
موضوع	زردشت، پیامبر ایرانی
موضوع	زردشتی
شناسه افزوده	فانی، کامران، ۱۳۲۳ - مترجم
شیاسه افزوده	مجتبایی، فتح الله، ۱۳۰۶ - مقدمه نویسنده
رده بندی کنگره	۱۳۹۰ ز ۴۹۰۵۵/ BL
رده بندی دیویی	۲۹۵/۶۳
کتاب شناسی ملی	۲۴۴۵۷۹۹



رویه روی دانشگاه تهران، فخر رازی، فاتحی داریان، پلاک ۲۹،

صندوق پستی ۷۷۵-۱۳۱۴۵

تلفن ۶۶۴۰۵۹۹۲

WWW. moin-Publisher.com

E-mail: info@moin-Publisher.com

والتر برونو هنینگ
زرتشت، سیاست مدار یا جادوگر؟

برگردان: کامران فانی

چاپ چهارم (اول ناشر): ۱۳۹۰

حروف نگار: فاطمه صفایی

نمونه خوان: محمد صالحی

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: صدف / چاپ: مهارت

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۱۴۲۳-۶۶۹۶۱۴۹۵

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار مترجم
۱۳	زرتشت مستشرقان
۲۱	زرتشت و ایران‌شناسان این روزگار
۴۳	زرتشت، سیاست‌مدار یا جادوگر!
۴۵	دورپردازی خیال
۷۰	در روشنی تاریخ
۹۹	در راستای سنت
۱۲۷	افزوده‌ها
۱۲۹	کتاب‌شناسی هنینگ

پیشگفتار مترجم

والتر برونو هنینگ در ۲۶ اوت ۱۹۰۸ در شهر راگنیت^۱ در کنار رود میمل در پروس شرقی به دنیا آمد. در هفده سالگی (سال ۱۹۲۵) وارد دانشگاه گوتینگن شد و زیر نظر استاد آندره آس^۲ (۱۸۴۶-۱۹۳۰) ایران شناس بزرگ، به تحصیل زبان فارسی و عربی پرداخت. در ۱۹۳۰ به حلقه‌ی تهیه کنندگان المعجم المفهرس لاحادیث النبوی پیوست. در ۱۹۳۱ از دانشگاه گوتینگن به دریافت درجه‌ی دکترا در زبان‌های ایرانی، عربی و سنسکریت با درجه‌ی ممتاز توفیق یافت. از ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۷ مأمور نشر نسخ مانوی بود و مجموعه‌ی متون تورفانی را در چهار مجلد بادقت و وسواس بی‌نظیر چاپ و منتشر کرد. با روی کار آمدن هیتلر در آلمان، او نیز همانند بسیاری از هموطنانش، مجبور به ترک میهن گردید و به انگلستان رفت. در ۱۹۳۶ به دانشجویی دانشگاه لندن برگزیده شد و در ۱۹۴۶ به مقام استادی همین دانشگاه در رشته‌ی تحقیقات آسیای میانه نایل آمد. در ۱۹۵۴ به عضویت فرهنگستان انگلستان درآمد و در ۱۹۵۸ ریاست گروه خاورمیانه‌ی دانشگاه لندن به وی واگذار شد. در ۱۹۶۱ به دعوت دانشگاه کالیفرنیا به برکلی رفت و تا پایان عمر استاد مطالعات ایرانی

آن دانشگاه بود. در ۱۹۶۷ در ۵۹ سالگی درگذشت.

رشته‌ی خاص تحقیقات هنینگ، که در آن بی‌گمان محقق یگانه بود، زبان‌های ایرانی از قدیم‌ترین ایام تاکنون بود. زبان‌های اوستایی، فارسی باستان، پهلوی، سنسکریت، پارسی، سغدی، ختنی، خوارزمی، بلخی، یونانی، لاتینی، عربی، ارمنی، آرامی، سریانی، چینی و ایغوری را نیک می‌دانست و به‌ویژه در زبان‌های پهلوی و پارسی و سغدی و خوارزمی - که خود کاشفش بود - نظیر نداشت. در خط‌شناسی و کتیبه‌خوانی در میان ایران‌شناسان بی‌نظیر بود و به گفته‌ی دکتر یارشاطر وی به حق فردِ مقدم ایران‌شناسان این قرن محسوب می‌شد. استاد محبتی مینوی نیز در حق هنینگ می‌نویسد: «بنده در میان مستشرقین مشهور احدی را نمی‌شناسم که در جمیع شعب معرفه‌اللسنه‌ای به اندازه‌ی او اطلاع حاصل کرده باشد. با این حال مردی بسیار کم ادعا و حجول و کناره‌گیر است و اهل اجتماعات و ضیافت‌ها نیست و از خطابه خواندن و نطق کردن در حضور جمع گریزان و متنفر است. یک سال پیش در دانشگاه آکسفورد سه خطابه درباره‌ی زردشت در سه روز متوالی ایراد کرد که بنده در هر سه حضور یافتم؛ در هر سه موقع، اقلایک ربع ساعت در ابتدای خطابه‌خوانی به علت شرم حضور، گرفتار سرخی و برافروختگی چهره و مختصر تمجیع بود....».

هنینگ در سه خطابه‌ی خود به نقد و بررسی آراء افراطی دو تن از بزرگ‌ترین ایران‌شناسان این عصر - نوبرگ و هرتسفلد - می‌پردازد. متن خطابه‌ها به خودی خود روشن است و ادای مطلب می‌کند و مقدمه‌ی آقای دکتر فتح‌الله مجتبابی نیز کم و کیف این نظریات و

چگونگی انتقاد هنینگ را از آن‌ها به روشنی بازگو می‌کند. در این مختصر، پیش از آن‌که فهرست کامل آثار هنینگ را برشمریم، به جاست نگاهی کوتاه به زندگی و آثار نوبرگ و هرتسفلد بیفکنیم. هنریک سمونل نوبرگ^۱ در ۲۸ دسامبر ۱۸۸۹ در سوئد متولد شد. در دانشگاه اوپسالا زبان‌های شرقی خواند و سراسر زندگیش را تا دم مرگ (۹ فوریه ۱۹۷۴) نخست در مقام دانشیار و استاد زبان‌های سامی و سرانجام در مقام استاد ممتاز زبان‌های ایرانی، در همین دانشگاه گذراند.

حوزه‌ی تحقیق نوبرگ نخست زبان‌های سامی و به‌ویژه زبان عربی بود و نخستین اثر تحقیقی او چاپ انتقادی سه رساله از ابن عربی بود که همراه با مقدمه‌ای مفصل در احوال و آراء ابن عربی منتشر شد.^۲ در ۱۹۲۴ به قاهره رفت و دو سال در آن‌جا ماند و کتاب الانتصار الخیاط را منتشر کرد.^۳ سال‌ها عضو فعال هیأت تحریریه دایرةالمعارف اسلام بود و بسیاری از مقالات این دایرةالمعارف به قلم اوست.

به هر تقدیر، توجه نوبرگ کم‌کم از زبان‌های سامی به زبان‌های ایرانی و به‌ویژه ایرانی میانه معطوف شد و استاد مسلم زبان پهلوی شناخته شد. در ۱۹۲۸، جلد اول اثر بزرگ او راهنمای زبان پهلوی^۴ در اوپسالا انتشار یافت. نوبرگ همواره در صدد تجدیدنظر و ویرایش آن بود، تا سرانجام ویرایش دوم آن و این بار به زبان انگلیسی، تحت

1. H. S. Nyberg

۲. چاپ اول، لیدن، ۱۹۱۹؛ چاپ دوم، بغداد، ۱۹۶۳.

۳. قاهره، ۱۹۲۵.

4. *Hilfsbuch des Pehlevi*

عنوان *A Manual of Pahlavi* در ۱۹۶۴، نشر یافت و جلد دوم آن نیز شامل واژه‌نامه و نکات دستوری و فهرست هزوارش‌ها در روزهای آخر حیات او منتشر شد. کتاب راهنمای زبان پهلوی بی‌گمان مرجع و از مآخذ اساسی آموزش این زبان است و در زمینه‌ی خود بی‌همتا است.

نوبرگ عضو فرهنگستان سلطنتی سوئد (که هر ساله برندگان جوایز ادبی نوبل را انتخاب می‌کنند) بود. نخستین بار در هفتاد سالگی به ایران آمد. معلم و مدرسی دلسوز و جدی بود و دو تن از ایران‌شناسان بزرگ، ویدنگرن^۱ و ویکاندر^۲ از شاگردان او هستند.

نوبرگ در بهار ۱۹۲۵ در دانشگاه اوپسالا سخنرانی‌هایی با عنوان «ادیان ایران باستان» ایراد کرد که متن مفصل آن به صورت کتابی مستقل ابتدا به زبان سوئدی^۳ و آنگاه به ترجمه‌ی شیدر^۴ به زبان آلمانی^۵ منتشر شد و همین کتاب بود که سخت مورد انتقاد هنینگ قرار گرفت. در ۱۹۶۶ کتاب ادیان ایران باستان به صورت افست تجدید چاپ شد و نوبرگ مقدمه‌ی مفصلی در جواب معترضین نگاشت و نکات تازه‌ای را پیش کشید؛ ولی به هر تقدیر نشان داد که هم‌چنان بر سر عقاید خود پابرجاست.

حوزه‌ی تحقیق هرتسفلد با حوزه‌ی کار نوبرگ – و البته هنینگ – تفاوت داشت. هرتسفلد اساساً باستان‌شناس بود و تنها به فرهنگ مادی^۶ در روشنائی تاریخ عنایت داشت و زندگیش را نیز یکسره

1. Widengren

2. Wikander

3. *Irans forntida religioner*, 1937

4. H. H. Schaeder

5. *Die Religionen des alten Iran*, 1938

6. Material Culture

وقف کارهای باستان‌شناسی کرد.

ارنست امیل هرتسفلد در ۲۳ ژوئیه ۱۸۷۹ در شهر تسله^۱ آلمان متولد شد. در رشته‌ی هنرهای باستانی فارغ‌التحصیل شد و از ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۵ استاد هنرهای باستانی دانشگاه برلین و از ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۴ استاد دانشگاه پرینستون بود. نخستین بار در ۱۹۰۳ به ایران آمد و تقریباً تا آخر عمر بخش اعظم کار او حفاری و باستان‌شناسی نواحی مختلف ایران و عراق و سوریه بود. نخست دستیار و آنگاه همکار نزدیک فریدریش فون زاره (۱۸۶۵-۱۹۴۵) باستان‌شناس بزرگ آلمانی شد و این دو به یاری یک‌دیگر آثار متعددی منتشر کرده‌اند از آن جمله: نقوش برجسته‌ی سنگی ایرانی^۲؛ حفاری‌های باستان‌شناسی در فرات و دجله^۳. آثار دیگر هرتسفلد عبارتند از: حفاری‌های سامراء^۴؛ پایکولی^۵؛ باستان‌شناسی ایران^۶؛ کتیبه‌های ایران باستان^۷ و ایران در شرق باستان^۸. آخرین اثر هرتسفلد، زرتشت و جهان او^۹ که موضوع نقد هنینگ در این کتاب است، پس از مرگ او منتشر شد. هرتسفلد در ۲۱ ژانویه ۱۹۴۸ در شهر بال سوئیس درگذشت. هرتسفلد، در شناخت خطوط کتیبه‌ها و در زبان‌های باستانی و

1. Celle (دو جلد) 2. *Iranische Felsreliefs*, 1910-1920

3. *Archäologische Reise im Euphrat-u, Tigrisgebeit* 1910-1920

(در چهار جلد)

4. *Die Ausgrabungen von Samarra*, 1921-1948 (در شش جلد)

5. *Paikuli*, 1924 (در دو جلد)

6. *Archäolog aus Iran*, 1929 (در نه جلد)

7. *Alipers Inschriften* 1938

8. *Iran in Ancient East*, 1941

9. *Zoroaster and his World*

تاریخ ایران باستان و تاریخ اسلام، محقق یگانه بود. بیش از ۱۹۰ کتاب و رساله و مقاله دارد. سال‌ها در ایران زندگی کرد و چهره‌ای شناخته شده بود. بزرگ‌ترین توفیق او کشف لوحه‌های تخت جمشید بود: سی هزار لوحه و نیم لوحه که پرده از شیوه‌ی کار ساختمان تخت جمشید برداشت.

هیچ‌یک از آثار مهم این سه ایران‌شناس تاکنون به فارسی برگردانده نشده است. از هر تسفلد تنها چند رساله‌ی کوتاه و از هنینگ یک رساله‌ی موجز ترجمه شده است. به هر تقدیر لازم است که هر دو کتاب، زرتشت و جهان او و ادیان ایران باستان به فارسی درآیند. این دو کتاب، علی‌رغم آراء افراطی و دور از ذهن، مشحون از اطلاعات و نکته‌سنجی‌های دقیق است.

کامران فانی

تهران ۱۳۵۷

زرتشت مستشرقان

اینک دویست سال از زمانی که آنکتیل دوپرون، محقق فرانسوی، کتاب اوستا را نخستین بار به یک زبان اروپایی - زبان فرانسه - ترجمه کرد، می‌گذرد. در طی این دو قرن، پژوهندگان اروپایی هزاران کتاب و مقاله درباره‌ی زرتشت و آیین او نوشته‌اند و از چهره‌ی پیامبر باستانی ایران که دوردست تاریخ نهان شده بود، پرده برداشته‌اند و در این میان بر سر هر نکته از زندگی و تعالیم او مناقشات و مباحثات پُرشور و شری برپا کرده‌اند که انسان را به یاد مناقشان کلامی قرن سوم و چهارم هجری می‌اندازد. کتاب دین‌های ایران باستان نیبرگ، ایران‌شناس سوئدی، در این هنگامه‌ی بحث و جدل، جایگاهی ممتاز دارد. در واقع لبه‌ی تیز نقد هنینگ در کتاب زرتشت، سیاست‌مدار یا جادوگر بیش از همه متوجه او بود.

هنریک سمونل نیبرگ^۱ که تلفظ درست نام او به زبان سوئدی نوبرگ / نُوبِری است در بهار ۱۹۳۵ در دانشگاه اوپسالا سخنرانی‌هایی با عنوان «ادیان ایران باستان» ایراد کرد که متن مفصل آن به صورت کتابی مستقل نخست به زبان سوئدی (۱۹۳۷) و آنگاه

به ترجمه‌ی هانس هایتریش شدر به زبان آلمانی (۱۹۳۸) منتشر شد. این کتاب در ۱۹۶۶ تجدید چاپ شد و مؤلف مقدمه‌ی مفصلی در جواب معترضان به ویژه هنینگ نگاشت. ترجمه‌ی این کتاب به همت دکتر سیف‌الدین نجم‌آبادی خوشبختانه اینک به زبان فارسی هم منتشر شده است.

کتاب دین‌های ایران باستان در واقع صرفاً درباره‌ی زرتشت و آیین او است. به گفته‌ی خود نیبرگ: «نمایی که من از زردشت و دین زردشتی رسم کرده‌ام، با آنچه تاکنون شده فرق‌های بنیادین دارد». ببینیم زرتشت نیبرگ چه گونه انسانی بوده است؟

به گمان نیبرگ، زرتشت در روزگاران بسیار دور، در میان قبیله‌ای در فراسوی جیحون و سیحون می‌زیست و پیشه‌اش جادوگری بود. مذهب این قبیله نوعی آیین شمنی بود. پیروان این آیین در «مجمع مقدس» (که آن را مگه / maga می‌نامیدند) گرد می‌آمدند و با استفاده از بُخور و بخارِ بَنگ و شاهدانه و رقص و سماع به حالت خلسه و جذبه می‌افتادند و در این میان به گمان خود روانشان از قید تن آزاد می‌شد و به گونه‌ای وحدت با خدا و - یا بهتر بگوییم - با وهومَنَه (بهمن / منش‌نیک) که همان روح اعظم کیهانی است، دست می‌یافتند. زرتشت پیشوای دینی این قبیله و مجری اصلی این مناسک بود. رسیدن به این حالت جذبه و خلسه‌ی بزرگ‌ترین موهبت و برکناری از ورود به «مجمع مقدس»، وحشتناک‌ترین بدبختی به شمار می‌رفت و روشن است که در چنین قبیله‌ای شَمَن و جادوگر اصلی چه مقام والایی دارد. زرتشت در همین حالات جذبه و بی‌خودی گانه‌های خود را می‌سرود. سرودهای زرتشت در واقع ضجه‌های